

## پراگماتیسم در طراحی شهری انسان محور و دموکراتیک

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

کد مقاله: ۷۰۷۶۶

سید محمد هاشمی<sup>۱</sup>، فرید گنجعلی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

با توجه به آن که در ۳۰ سال گذشته طراحی شهری به عنوان یک رشته جداگانه ظهور کرد با رشته هایی مانند جامعه شناسی، معماری و برنامه ریزی عجین شد، از این رو در حل مسائل شهری سیاست های متعددی لحاظ گردید و در بسیاری از طرح ها و برنامه ها که بر فضای شهری اعمال می گردد. تعداد اندکی فضای شهری مورد استفاده مردم ایجاد میشود که اکثراً شکست خورده هستند، آنچه ضرورت تحقیق را در این عرصه پی داشت، دخل و تصرف فضای شهری و طراحی صد در صدی است یعنی طراحی با شناخت اندک و بدون در نظر گرفتن عوامل فرهنگی و.. و مشارکت و طراحی کامل ایجاد می شود بدین صورت هدف ارائه یک زبان الگو طراحی با رویکرد پراگماتیسم برای فضای شهری انسان محور است از این رو با توجه به این که پراگماتیسم از علم فلسفه بر آمده و میتوان آن را ربط داد بر طراحی شهری به امید آن که با استفاده از این علم رویکرد تازه در طراحی شهری و ارائه کاربری و طراحی با این نظریه از اشتباهات گذشته در طراحی جلوگیری کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: پراگماتیسم، فضای انسان محور، محیط دموکراتیک، فضای شهری

۱- کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

۲- کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، [farid.ganjeali@mail.um.ac.ir](mailto:farid.ganjeali@mail.um.ac.ir)

## ۱- مقدمه

در سال‌های اخیر رویکرد‌ها و نظریات مختلفی در طراحی شهری وارد شده که هر کدام کاربست و چهارچوب خود را جهت بهبود طراحی فضای شهری ارائه می‌دهند اما در اواخر قرن ۱۹ یک روش فلسفی به نام پراگماتیسم در آمریکا توسط ویلیام جیمز، جان دیویی و... به ظهور رسید که این فلسفه در جهت مقابله با سنت‌های گذشته به پا خواست و از روش‌های عقل‌گرایانه و بالا بردن رشد و ترقی انسان استفاده می‌کند، از این رو پراگماتیسم در جهت بهبود فضای شهری به منظور بالا بردن تعاملات اجتماعی استفاده می‌کند زیرا در این نظریه نقش طراح شهری یک نقش محرک است یعنی طرح در شهر حضور دارد و در فضا زندگی می‌کند و وظیفه آن کشف رازهای پنهان فضا است و از سویی تبدیل زبان غیر تخصصی میدم به زبان تخصصی طراحی شهر سازی هم از وظایف طراح شهری در این نظریه است.

هنگامی که طراحی در فضای شهری اتفاق می‌افتد باید نتیجه را در ارتقای سلامت، امنیت و حضور شهروندان در استفاده از فضا جست و جو کرد، اطمینان از این که راه‌های گوناگون برای دریافت اطلاعات و فعالیت‌ها برای کلیه بخش‌های گوناگون جامعه در فضا شهری به وجود آمده است بسیار مهم و ضروری است، از این رو باید محیط و فضای شهری برای همگان بدون توجه به جنسیت، توانایی‌ها، سن و... قابل دستیابی باشد.

یکی از رسالت‌های طراحی شهری در سال‌های اخیر می‌توان نام برد دموکراتیک بودن فضای شهری نام برد، در فضای شهری دموکراتیک کوشیده می‌شود نابرابری‌های اجتماعی و نابرابری‌های جسمی نادیده گرفته شود و انسان‌ها با هر در آمدی و با هر توانایی جسمی و برا هر فرهنگی در فضا حضور یابند و از فضا لذت ببرند و عدالت اجتماعی در فضا اهمیت پیدا کند و همه شهروندان از فضا سهم یکسانی ببرند از این رو مشارکت فعال گروه‌های مختلف در تهیه طرح کمک شایانی به این موضوع خواهد کرد.

امروزه اهمیت مکان و فضا از بنا و حتی حمل و نقل بیشتر است، بی‌توجهی به این موضوع سبب ارائه راه حل نامناسب برای طراحی فضای شهری می‌شود که پاسخ مناسبی برای نیازهای شهروندان نخواهد بود و باید در پی فضایی بود که پیاده در آن فضا بیشتر از سواره باشد و نکته مهم برای فضاهای جاذب برای شهروندان ایجاد حس مطلوبیت و راحت بودن چه جسمی چه روانی در فضا است از این رو پراگماتیسم به کشف حقایق می‌پردازد و دیدگاه عمل‌گرایانه دارد و باعث ایجاد فضایی می‌شود که مردم در آن حضور دارد چرا که خود مردم آن را ایجاد کرده‌اند.

## ۲- ریشه سابقه و بنیان‌های نظری نهضت پراگماتیسم

پراگماتیسم برگرفته از کلمه یونانی pragma به معنی عمل بوده و کاربست فلسفه پراگماتیسم را شکیل می‌دهد. که اولین بار قرن نوزده در ایالات متحده مطرح شد (Pansiri 2005)، در ابتدا منظور از به کارگیری این واژه رسیدن به روشی برای حل کردن مسائل عقلی بود اما به تدریج معنای این واژه تغییر کرده و مفاهیم تازه‌ای در آن به وجود آمد. پراگماتیسم به عنوان یک پارادایم تحقیقاتی، بنیان فلسفی خود را از تفکرات تاریخی به دست آورده است و در تحکیم مبانی خود از روش‌های مختلفی استقبال می‌کند. (Maxcy 2003) اندیشه‌های پراگماتیسم در قرن بیستم با نام نئوپراگماتیسم یا پراگماتیسم زبانی توسط ریچارد روتی، هیلاری پاتنام، دونالد دیویدسون، ویلارد وان اورمان کوبین، استنلی فیش و سایر پژوهشگران ادامه یافت. (Rorty, 1967)

اصطلاح پراگماتیسم برای اولین بار توسط پیرز به عنوان روش پژوهش یا اندیشه ورزی مطرح شد در واقع هدف او دست‌یابی به راه حلی برای حل مسائل عقلی بود. جیمز توجه فلسفه را به این مکتب جلب کرد و آن را تکامل داد. دیویی در تحکیم مبانی پراگماتیسم نقش داشت و آن را در ابعاد اجتماعی و فرهنگی بسط داد. همچنین در حوزه معماری نیز مطالعاتی شکل گرفته که می‌توان به پژوهش دونالد شون در مورد فرایند طراحی معماری اشاره کرد. (Schon, 1999)

در واقع می‌توان گفت ایده‌های پراگماتیستی از یک جهت متوجه نقد و ارزیابی مفاهیم و مقولات فلاسفه‌ای همچون ارسطو و افلاطون است و از سوی دیگر به کاربردی و سودمند بودن نظریات در عمل می‌پردازد در نتیجه می‌توان گفت، یکی از دیدگاه‌های اصلی پراگماتیست این امر است که یک نظریه زمانی موثر و کارا است که در عمل نتایج موردنظر و مطلوبی را به همراه داشته باشد. در روش‌های پراگماتیسمی مطلقاً هیچ چیز جدیدی وجود نداشته و در واقع بیانگر رویکرد تجربه‌گرایانه می‌باشد به این معنا که فعالیت‌های انسانی هیچگاه نمی‌توانند از تجارب گذشته جدا شوند و همواره هر فعالیتی با تجارب گذشته در ارتباط است. بنابراین اندیشه‌های انسانی ذاتاً با عمل پیوند دارند. اقداماتی که مردم انجام می‌دهند پایه در نتایج احتمالی عمل داشته و مردم از نتایج اقدامات خود برای پیش‌بینی عواقب اقدامات مشابه که در آینده انجام می‌دهند استفاده می‌کنند. موضوعی که همواره به بحث بین اندیشمندان حاضر در فلسفه پراگماتیسم تبدیل شده، معنای اعمال و اعتقادات انسانی است که ریشه در نتایج فعالیت انسان دارد. اهرم‌ها و فشارهای خارجی امکان تغییر در اعمال و رفتار انسانی را ایجاد نمی‌کنند بلکه انسان با بهره‌گیری

از عقل و اعمال خود به شکل دهی تجارب می پردازند. پراگماتیست ها بر این باورند که واقعیت ثابت نیست بلکه در هر مرحله از رویداد ها و وقایع تغییر می کند. به همین ترتیب، جهان نیز هیچگاه ثابت نیست و از طریق اعمال تغییر می کند. در واقع این عمل است که راه تغییر را به وجود آورده است. بنابراین می توان گفت عمل نقش محوری را در فلسفه پراگماتیسم دارد. (Goldkuhl, 2012; Maxcy, 2003; Morgan, 2014a)

در واقع اندیشمندان پراگماتیسم بر این باورند که امکان تجربه یک موقعیت برای دوبار وجود ندارد. اعمال به جهان بینی انسان بستگی دارد که از نظر اجتماعی باور های مشترکی دارند. اندیشمندان پراگماتیسم بر این باورند که هیچ دو انسانی وجود ندارند که تجارب یکسانی با یک دیگر داشته باشند. در نتیجه نوع نگاه آن ها به جهان و محیط پیرامونی آن ها با یک یگر متفاوت است ولی با اینحال همواره درجات مختلفی از تجربیات مشترک بین هر دو نفر وجود دارد که منجر به تفاوت می شود. همچنین احتمال عمل مشابه در یک موقعیت یکسان و تعیین تکلیف معانی مشابه نتایج این اقدامات به میزان اعتقاد مشترک بین افراد در یک شرایط خاص بستگی دارد. بنابراین، نوع بینش به جهان می تواند به صورت جداگانه منحصر به فرد و از نظر اجتماعی مشترک باشد. (Morgan, 2014a)

### ۳- مفهوم پراگماتیسم

به عنوان یک پارادایم تحقیقاتی، پراگماتیسم بر پایه هدفی است که محققان برای رسیدن به بهترین نتیجه ممکن از این رویکرد روش شناختی و فلسفی در حل مسائل استفاده می کنند. (Tashakkori & Teddlie, 1998) در هرفرایند تحقیقاتی زمانی که بیشتر تمرکز بر روی نتایج یا سوالات پژوهش است این نظریه و پارادایم اغلب با سایر روش ها ترکیب شده یا به صورت یک روش چندعملکردی مورد استفاده قرار می گیرد و گاهی ممکن است به شیوه های رسمی و غیررسمی در فرایند تحقیقاتی مورد استفاده قرار بگیرد. (Biesta, 2010; Creswell & Plano Clark, 2011; Johnson & Onwuegbuzie, 2004; Maxcy, 2003; Morgan, 2014a; Tashakkori & Teddlie, 1998)

اندیشمندان حاضر در این مکتب این تصور را که علوم اجتماعی می توانند صرفا با استفاده از یک روش علمی به واقعیت دست پیدا کند را رد می کنند. (Maxcy, 2003). محققان حاضر در فلسفه پراگماتیسم، بر این باورند، همواره حقیقتی عینی وجود دارد که در محیط وجود داشته و خارج از تجربیات انسانی بوده و تنها از طریق تجربه انسانی امکان درک آن وجود دارد. (Goles & Hirschheim, 2000; Morgan, 2014a; Tashakkori & Teddlie, 1998). در واقع پایه اصلی تفکرات پراگماتیسم بر پایه دانش و واقعیتی است که ریشه در باور ها و عادات اجتماعی دارد. (Yefimov & Vladimir, 2004) اندیشمندان پراگماتیسم در این بحث می کنند که چگونه می توان واقعیت را یکبار برای همیشه تعیین کرد. (Pansiri, 2005)

دیدگاه آن ها به واقعیت همچون مفهوم هنجاری بوده و همانگونه که آن واقعیت خود را بروز می دهد آن را حفظ می کنند. بنابراین آن ها بر این باورند که نمی توان دانش را تنها از طریق باورها، عادات و تجارب که بر پایه احتمالات شکل گرفته درک کرد. (Howe, 1988) نظریه پراگماتیسم معتقد است واقعیت زمانی صحیح است که به انسان در ایجاد ارتباط رضایتمند با سایر تجربیات خود کمک کند. یعنی حقیقت باید همچون رابطه نتایج مطلوب و محسوس با اعمالی که از عقاید مبین ناشی می شود در نظر گرفته شود. حقیقت را می توان پدیده ای در نظر گرفت که تصورات انسان را در ایجاد رابطه های مطلوب با دیگر قسمت های تجربیات او کمک کند. هر نظری که باعث شود انسان رضایت مندانه در تجربیات خود حرکت کند، چیزها را به شکلی مطلوب در ارتباط با یک دیگر قرار دهد، تضمین شده باشد، امور را تسهیل کند و در نیروی کار صرفه جویی ایجاد کند، به همان نسبت و به گونه ای کاربردی حقیقی است. گزاره اخیر به صورت کاملا روشن ملاک حقیقی بودن یک نظریه را بهره عملی آن به صورت رضایت بخش می داند که در اشکال ساده و تجارب مرتبط می توان مشاهده کرد. (James, 2000)

### ۴- نقش پراگماتیسم در زمینه های فرهنگی و اجتماعی

پراگماتیسم و علوم اجتماعی از زمان ظهور تا حدودی به یک دیگر پیوند خورده اند. دلیل این موضوع این است که هر دو رویکردی هستند که در اواخر قرن نوزده در پاسخ به مسائل و معضلات موجود در دوران گذشته شکل گرفته اند. (Ogien, 2014) این دو فلسفه شناختن جهان را در تجارب و اعمال دانسته و هر دو این اصل را ارائه می کنند که عمل آشکار در ترکیب با تامل برای بدست آوردن دانش ضروری است و عقاید، مفاهیم و نظریه های ما فقط توسط اعمال منطقی ما از طریق مشاهدات و تحلیل نتایج ما قابل آزمایش هستند. در پراگماتیسم، عواقب و نتایج سود یا منفعتی نداشته بلکه همچون آزمونی محوری از معرفت و مباحث متافیزیکی می باشند همچنین عواقب حاصل شده از اعمال بیشتر در ارتباط با پیشینیان می باشد در نتیجه پراگماتیسم از ارزش های حرفه ممدکاری اجتماعی حمایت می کند. در واقع پراگماتیسم همواره بر روی آینده تمرکز دارد. (Haight & Bidwell, 2016; Hothersall, 2019) این موضوع خود را در بدنه پژوهش های شکل گرفته توسط مادر فعالیت های

اجتماعی یعنی جین ادامز و جان دیوی در عصر معاصر بروز داد. جین ادامز از جمله حامیان فعالیت های اجتماعی در قرن معاصر بوده که از اندیشه های پراگماتیسم در پژوهش های خود استفاده کرد. محور کارهای ادامز، دموکراسی، آزادی و برابری بود او عدالت اجتماعی را وارد فلسفه پراگماتیسم کرد. حامیان او عقیده دارند که اندیشمندان باید در جهت به حداکثر رساندن و ارتقای سطح رفاه انسان باشند. (Haight and Bidwell 2016; Hothersall 2019; Rosiek and Pratt 2013; Shields 2017) و همواره باید در جهت ایجاد ارتباطی بین فلسفه پراگماتیسم با اهداف حاصل فعالیت های اجتماعی تلاش کرد. به طور کلی، هردوی فلسفه پراگماتیسم و اجتماعی به بررسی و حل معضلات اجتماعی می پردازند و هردو دیدگاه انسان را در فرایند پژوهش خود دخیل می کنند. (Schilling, 1997) هر فرد در محیط همواره دیدگاه و نظری را ارائه می کند که سایر افراد از درک آن عاجز هستند زیرا در یک محیط این احتمال وجود دارد که هر کس به جنبه های مختلفی از محیط توجه کند. در نتیجه می توان گفت، توجه به فرد و افراد حاضر در محیط اساس پژوهش های پراگماتیسم و فعالیت های اجتماعی را تشکیل می دهد. (Gray, Mel et al., 2013) توجه به فرد که یکی از اصل های پراگماتیسم می باشد را می توان در پژوهش های دیوی مشاهده کرد. دیدگاه ارگانیسم در محیط، که به انسان به عنوان ارگانیسم و دانش به وجود آمده نظر دارد از سازگاری فعال ارگانیسم با محیط های مختلف آن، نظیر محیط جغرافیایی، بیولوژیکی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی به وجود آمده است. این موضوع در ارتباط با رشته طراحی شهری نیز مرتبط است. همواره در هر فرایند طراحی لزوم توجه به نظر استفاده کنندگان و کاربران فضا از جمله موضوعات محوری در طراحی شهری امروزی باشد. تمرکز پراگماتیسم بر توانایی انسان برای یادگیری، تعقل و ایجاد انتخاب در محیط های خود برای پاسخ، تعامل، انطباق، اصلاح و شکل گیری مجدد محیط است. این فرایند ها همواره ثابت، پویا و مداوم می باشند. (Koenig et al., 2019) پراگماتیسم اصطلاحی است که دو مفهوم ۱- وابسته به مردم و ۲- فلسفه ای بودن را با هم دارد، که محبوبیت آن نیز به شمار می رود. مفهوم وابسته به مردم بدین منظور که پراگماتیسم، فلسفه ای است که زمان و مکان در آن دارای اهمیت بوده و مردم را در زمان و مکان خاص خود مورد توجه قرار می دهد. علاوه بر این علوم اجتماعی به عنوان یک پژوهش تمرکز ویژه ای بر شخص در محیط دارد بنابراین در پژوهش های علوم اجتماعی همواره تمرکز بر شناخت انسان و درک محیط زندگی شان دارای اهمیت است. (Zapf, 2010) با این حال، در علوم اجتماعی انتظار نمی رود که تمرکز اصلی بر روی روانشناسی، محیط یا ساختار های اجتماعی باشد در واقع هدف اصلی این علوم ایجاد ارتباط بین مردم و محیط است. (Heinonen & Spearman, 2015) علاوه بر این، پراگماتیسم بر پایه تجربه، چارچوبی عمل محور ارائه می دهد که به موجب هدف پژوهش به ما در چگونگی پاسخ گویی به حل مسائل شکل گرفته ناشی از تجارب و شناخت کاربردی جهان کمک می کند. (Hothersall, 2019) بنابراین، درک عملگرایانه ممکن است بیشتی نظری برای پژوهش های اجتماعی ایجاد کند. (Koenig et al. 2019) پراگماتیسم ریشه در فرهنگ نیز دارد. به طور کلی اگر اندیشمندان به فرهنگ همچون ارزش اساسی و غیر قابل حذف از زندگی بشر توجه کنند. با توجه بر اینکه فلسفه خود پدیده ای تاریخی است که محصول فرهنگ بوده است می توان گفت، با هر تغییرات کلی در فرهنگ، پایه های فلسفه نیز تغییر می کند. همواره، مشکلات، ارزش ها، اصطلاحات و سبک ها منعکس کننده فرهنگی است که آن ها را شکل داده است. حتی ابتدایی ترین مفاهیم همچون حقیقت، دانش، واقعیت، معنا و هویت می توانند از فرهنگ استخراج شوند. اهمیت انضمامی آن ها فقط از طریق اعمال متنوع فرهنگ است که شکل می گیرد (Shusterman, 2010). در فلسفه پراگماتیسم همواره به عدالت اجتماعی توجه وجود داشته است (Morgan, 2014b) اندیشمندان حاضر در پراگماتیسم همواره دید عمیقی نسبت به عدالت داشته و از رنج مردم آگاهی دارند و به دنبال ایجاد نهاد های برای عدالت هستند. آن ها همواره به دنبال رسیدن به فرهنگی قابل و بدون تبعیض بوده که برابری را بین مردم ایجاد کند. (Dieleman et al., 2017)

## ۵- نقش پراگماتیسم در طراحی شهری دموکراتیک

هدف از پژوهش شکل گرفته بررسی نقش فلسفه پراگماتیسم در طراحی شهری دموکراتیک می باشد. موضوعی که امروزه غالباً در کشور های در حال توسعه مورد توجه می باشد. به طور کلی، اگر به فلسفه پراگماتیسم به عنوان یک روش طراحی نگاه کرد می توان گفت، پراگماتیسم یک روش کاملاً مسلح و مبارزه طلب می باشد اما همواره در ابتدا در انتظار یک نتیجه خاص نبوده و اصول خاصی ندارد. بلکه در راستای چارچوب تعیین شده فعالیت می کند که این موضوع کاملاً در ارتباط با کار طراحی شهری قرار می گیرد. امروزه بسیاری از نظریه های برنامه ریزی برداشتی عملگرایانه از فعالیت های طراحانه دارند. بعد از بررسی دیدگاه های پیشین و انتقادات ساختاری و تاریخی که به دیدگاه مارکسیست شکل گرفت، این نظریه ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. (Hoch, 1984b) از نظر برخی از برنامه ریزان شهری نظیر دیویدوف، طراحان شهر همواره باید از منافع افراد ناتوان در جامعه دفاع کنند. فارستر از دیدگاه نظریه انتقادی هابرماس در بررسی محدودیت های ایجاد شده برای برنامه ریزان در امر برنامه ریزی استفاده کرد. در حالی که دی نثویل با استفاده از دیدگاه پراگماتیسم بسیاری از نقد های شکل گرفته به برنامه ریزی و طراحی

شهری را رد کرد و با استفاده از رویکرد پراگماتیسم در شهرسازی به دنبال ایجاد یک تجربه کارآمد و توانا در امر راهنمایی برای برنامه ریزان و طراحان شهری بود. در واقع پذیرش این رویکرد ها در شهرسازی همچون امر طبابت مستلزم تمرین برنامه ریزان برای کسب مهارت های جدید است. (Susskind & Ozawa, 1984) علاوه بر این آگاهی از اقدامات سیاسی و از اطلاعات جمع اوری شده یا هدایت شده توسط گروه های قدرت (Forester, 1984) و نقش غیر قابل انکار فرایند های سیاسی در توزیع منابع ناشی مسائل موجود در جامعه از عوامل حائز اهمیت در فرایند برنامه ریزی و طراحی با استفاده از رویکرد پراگماتیسم می باشد. (Forester, 1984; Hoch, 1984b)

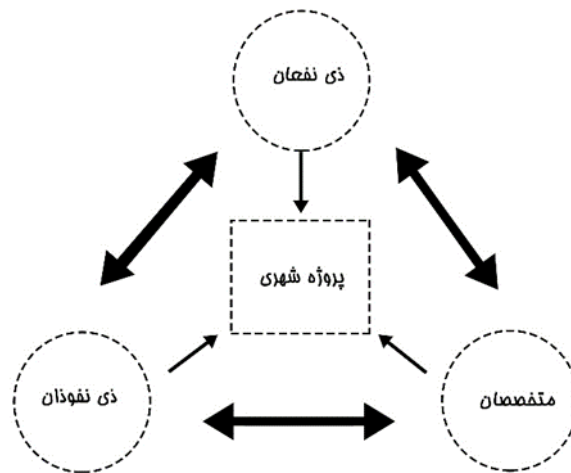
در سال ۱۹۸۴، هوک به تلاش برای یکپارچه سازی مجدد تئوری های برنامه ریزی و چگونگی انطباق یافتن تئوری های رویه ای با ایده های مفهومی پراگماتیسم که ناشی شده از نظریه های جان دیوی و برگرفته از برداشت عملی از اعمال انسان بوده را به منظور ایجاد رضایت عمل برای برنامه ریز پرداخت. هوک ایده های پراگماتیسم دیوی را به سه اصل دسته بندی کرد. ۱- تعریف مسئله به خودی خود نوعی تجربه است. همواره در زندگی روزمره تلاش برای ایجاد تغییرات برای وضعیت آینده بر پایه تجربیات گذشته شکل می گیرد و ریشه در استدلال استقرایی و قیاسی ندارد. بنابراین، وجود یک مسئله در زمان حال و راه حلی که برای آینده آن در نظر گرفته می شود هر دو برگرفته از تجربه است. ۲- طرح ریزی برای حل یک مسئله نوعی فرایند عملگرایانه است. از نظر هوک حقیقت زمانی آشکار می شود که یک ایده که می تواند یک گزینه طراحی، فرضیه و طرح در حل آن مسئله موفقیت آمیز باشد. (Hoch, 1984b) ۳- اجرای طرح خود نیز نوعی مشارکت دموکراتیک است. در اینجا بین برنامه ریزی و جوامع برنامه ریزی شده تفاوت وجود دارد. جوامع سوسیالیست موجود در شرق اروپا همواره بیان کننده جوامع برنامه ریزی شده هستند. این جوامع متمرکز، غیر دموکراتیک هستند و به یک دولت اقتدارگرا، تحمیلی، برنامه ریزی سلسله مراتبی برای تحقق آن نیاز دارند. در مقابل در برنامه ریزی جوامع مستلزم رویکرد تاملی می باشد. (Friedmann, 1973) در این جوامع اعمال مبتکرانه و پیشنهادات ارائه شده از طریق مشارکت و بحث بین افراد حاضر در جامعه از زمینه های تجربی و عملگرایانه تولید می شود. هوک با دو نکته مهم بحث خود را با مباحث دیوی که مبتنی بر دو اصل (بهترین را انجام دادن) و (درست انجام دادن) است مرتبط می سازد. ۱- با پیوند دادن اهداف پیشرفت انسان و فرایند آموزش، نادیده گرفتن قدرت های سیاسی و محدودیت های نهادی در آموزش و ۲- دیوی بر این باور است که آموزش اساس روان انسانی است که هنوز ضرورت را در یک زمینه مشخص برای اعتماد متقابل کشف نکرده و آن را تسهیل می سازد. هوک بر این باور است که هر سه اصل گفته شده نه تنها ناشی از فشار های وارد شده خارجی نیست بلکه بیشتر بر پایه سیاست های ارائه شده هدایت می شود. (Hoch, 1984b)

به طور کلی پراگماتیسم ها به موضوع مشارکت توجه داشته و آن را با همبستگی و تعامل بین افراد حاضر در جامعه که طراحی برای آن ها شکل می گیرد امکانپذیر می دانند. این همبستگی و پیوستگی میان کاربران است که نه تنها سبب نزدیک شدن آنها به یکدیگر بلکه منجر به شکل گیری اعمال همکارانه می شود. در واقع می توان گفت، که برای اندیشمندان پراگماتیسم، همبستگی، چیزی که در طبیعت انسانی شناخته شود و یا در عناصر جهانی توسط انسان یافت می شود، نیست، بلکه همواره منتج شده از همکاری، مشارکت، دموکراسی و تجربه مشترک بین ذی نفعان حاضر در جامعه می باشد. همچنین یکی از اصول شاخص در دیدگاه های پراگماتیسم که همواره مورد توجه قرار می گیرد تطابق یافتن با زمان و مکان می باشد. به این معنا که همواره با در یک مکان خاص با در نظر گیری زمان به مشارکت با یکدیگر پرداخته تا به هدف نهایی که بهترین نتیجه است برسند. (نیکخو، ۱۳۹۴)

## ۶- پراگماتیسم و فضا های انسان محور

طراحی شهری با در نظرگیری بستر فعالیت های ان یعنی فضا و محیط شهری به عنوان هنر کیفیت بخشی به محیط های جمعی، قصد دارد با در نظرگیری ویژگی های اجتماعی، قومی و تاریخی کاربران و مقتضیات ساختاری و کالبدی شهر، فضای شهری را در اختیار مردم قرار دهد و از این طریق علاوه بر تأمین نیازهای همچون آسایش و رفاه شهروندان، نیازهای عاطفی و روانی آنها را تامین سازد. در واقع هدف اصلی در طراحی شهری، طراحی به منظور بهبود کیفیت محیط زندگی مردمی است که در آن شهر یا بافت سکونت دارند. در هر فرایند طراحی شهری، طراحی مردمی نیز در صورتی قابلیت تحقق دارد که شرایط لازم جهت مشارکت مردم، مسئولین و متخصصین در فرایند تصمیم گیری فراهم شود. اما متأسفانه در حوزه طراحی شهری به طور معمول خواسته های مردم چندان مورد توجه قرار نمی گیرد و بیشتر مردم حکم ناظر و مشاهده گر را در پروژه های طراحی شهری دارند و طراحان و برنامه ریزان بدون در نظر گرفتن نظرات کاربران برای آنها تصمیم گیری می کنند. (بحرینی، ۱۳۸۹؛ آقایی، رضائی پور، احدی و عبدی، ۱۳۹۲) در نتیجه توجه به ذی نفعان از جمله موضوعات حائز اهمیت در فرایند طراحی شهری می باشد. همانطور که جب برومان در کتاب خوش امید به انقلاب شهری آینده برنامه ریزی دموکراتیک را شرح داد و این پیشنهاد را ارائه کرد که همواره باید این امکان وجود داشته باشد تا کنشگران در فرایند طراحی درگیر شوند و با یک دیگر همکاری کنند، بسازند و به آورده

خود حکمرانی کنند. او این نوع برنامه شهری را سیستم شهری نامید که اساس آن بر پایه مشارکت بین ساکنان، رهبران، ذی نفوذان، توسعه دهندگان و متخصصان می باشد. (Johnson & Onwuegbuzie, 2004)



نمودار ۱- چرخه عوامل تاثیر گذار بر طراحی پراگماتیسم

## ۷- تهیه طرح بر پایه تفکرات پراگماتیسم

طراحان شهری در کار خود برای رسیدن به عمل طراحی، برنامه ریزی انجام می دهند. در واقع این برنامه ریزی شکل گرفته ناشی از گفت و گو و مصاحبه ها می باشد. همچنین، طراح با تهیه طرح و با بررسی اینکه چگونه دیگران در یک زمینه خاص با مسائل رو به رو می شوند، نحوه پیشبینی و مقابله با مسائل را آموزش می بینند. (Hoch, 1984a) علاوه بر این، گنجاندن طیف گسترده ای از ارزش ها سبب می شود جزئیات زمینه ای و روایات مربوطه، گفت و گو، دیدگاه های مفیدی در ارتباط با معنی طرح و انگیزه طراح ارائه دهند. با تهیه طرح ها، همزمان مورد انتخاب قرار می گیرند که چگونه به مسائل توسعه شهری حاضر پاسخگو هستن. تمام این طرح ها، ناقص هستند، این طرح ها تهیه شده و دائما در آن ها فرایند پیشبینی صورت گرفته و ارزیابی می شوند و آن ارزیابی قضاوت می شود. نتیجه شکل گرفته در ابعاد مختلف در محل مورد بازبینی قرار می گیرد. در نهایت طرح شکل گرفته با در نظرگیری علایق و سلیقه افراد تهیه شده و به آن ها وابسته است. (نیکخو، ۱۳۹۴)

از نظر هوچ، در طرح های شهری بر یک یا چند رویکرد خاص جهت گیری شکل می گیرد و این جهت گیری ها به منظور تبیین نحوه روابط شهری پیچیده درون یک شرح و تفسیر مفید و قابل درک، سازماندهی شوند قرار گرفته و طرح ها را ارائه می کنند. که عبارت است از:

پروتکل: اتخاذ قراردادها و قوانین موجود ترویج داده شده توسط مراجع ذی صلاح

سوابق گذشته: ساخت یک طرح ممکن است بر روی ایده ها و اعمال برنامه های قبلی شکل بگیرد.

نمونه اولیه: ساخت یک طرح ممکن است راههای جدید تخیلی و خلاق را برای آسان کردن پیچیدگی ها معرفی کند.

سیاست: ساخت طرح ممکن است از آداب و رسوم رسمی و غیر رسمی همچون راهنما در عمل خود بهره گیرد.

(Hoch 2009)

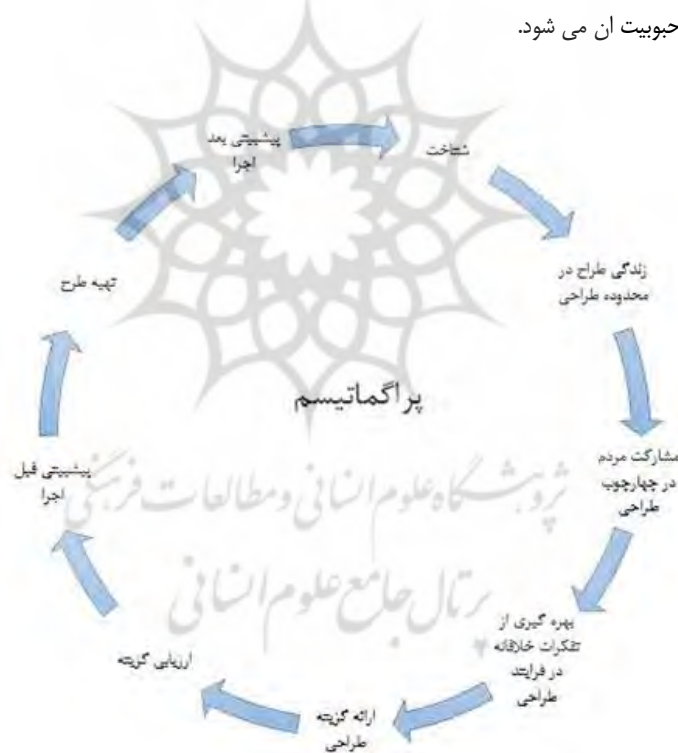
در فرایند تهیه طرح با توجه به اصول ذکر شده، می توان چنین نتیجه گرفت، که درک تئوری برنامه ریزی به عنوان نوعی از خرد عملی، توجه را از استدلال های عقلانی که بر گرفته از باور های برنامه ریزی هستند به تهیه طرح به عنوان ویژگی از استدلال عملی تغییر می دهد. در واقع نقطه نظرات به ظاهر ناسازگار باهم، می توانند دیدگاه های مکملی بدون کاهش یا تحریف تفاوت های مهم در نقطه نظرات، برای تولید طرح ها ارائه کنند. در نتیجه هیچ فاصله تئوریک و معرفت شناختی نیست که بازنمایی و هدف تهیه طرح را از هم متمایز کند. (Hoch, 2007)

طراحانی که بر پایه تفکر پراگماتیسم به کار طراحی فعالیت دارند، معمولا در فرایند طراحی، به توصیف طرح ها به طور منطقی می پردازند. اما تحلیلگران پراگماتیسم ممکن است در عقلانیتی که طرح ها مطرح می کنند، تفاوت نظر داشته باشند. البته در نهایت طرح ها و ایده های بدون منطق و استدلال، مورد توجه قرار نمی گیرند. در واقع آنچه محتوای یک طرح و ایده را می تواند توجیه سازد دلایل منطقی است که به دفاع از آن طرح می پردازد. می توان با توجه به دیدگاه پراگماتیسم چنین نتیجه گرفت که آنچه در شکل گیری یک طرح تاثیر دارد برگرفته از دیدگاه و بینشی است که طراح با در نظرگیری تمام ویژگی عقلانی و

حالات و موقعیت اجتماعی و غیره به ارائه آن می پردازد. در واقع طراحان در جهت پاسخگویی به مسائل و مشکلات مختلف به ارائه طرح ها می پردازند. ارائه راهکارهای عملی مرتبط با ویژگی های زمینه ای موجود در ارتباط با اهداف و اعمالی که انسان در محیط انجام می دهد. نحوه توصیف این رفتار ها و پیشبینی و سازگاری با این ویژگی های رفتاری انسان در فضا از جمله موضوعات مورد توجه در طرح ها می باشد که باید به آن توجه شود. برنامه ریزان حرفه ای همواره به دنبال یادگیری مهارت های در برنامه ریزی هستند که در یک چارچوب متمرکز به بازنمایی و تفسیر طرح ها بپردازند. (Hoch, 2007) تا از این راه، طرح های دموکراتیک و انسان محور در ارتباط با نیازها و اعمال استفاده کنندگان شکل بگیرد.

## ۸- نتیجه گیری

با در نظرگیری مباحث بیان شده در ارتباط با روش پراگماتیسم، می توان از مباحث ان در ایجاد یک چارچوب طراحی شهری استفاده کرد. پراگماتیسم همواره، مجموعه ای از مفاهیم منسجم را برای پرداختن به موضوعات اصلی در طراحی ارائه می دهد. این امر علاوه بر غنی سازی درک طراح شهری از موضوع طراحی، مباحث روشن تری از تفکر طراحی را ایجاد کند. به طور کلی پراگماتیسم روشی است که در طراحی به طور مستقیم نقش ندارد. اما با این حال روشی روشن برای رسیدن به یک فرایند طراحی می باشد. در واقع روش پراگماتیسم مراحل رسیدن به طرح را تغییر داده و نگرش طراح شهری را نسبت به موضوع و فرایند طراحی دگرگون می کند که در نهایت این امر، منجر به شکل گیری یک طراحی خاص و متمایز می شود. پراگماتیسم همواره در چارچوب خود به دو مفهوم همراه با مردم و فلسفه ای بودن اشاره دارد. در واقع، با در نظرگیری مفاهیم فلسفه ای، می تواند به منظور اطلاع و هدایت پروژه های طراحی عملیاتی شود و به طراح شهری در درک و تنظیم فرایند طراحی کمک کند. علاوه بر این با در نظرگیری جنبه های دموکراتیک آن می توان گفت، نوعی طراحی از پایین به بالا را ایجاد کرده که در نهایت منجر به افزایش محبوبیت آن می شود.



نمودار ۲- فرایند تهیه طرح پراگماتیسم

همچنین، روش پراگماتیسم در فرایند طراحی خود به کیفیت های مختلف توجه داشته و با در نظرگیری ارزش های حاکم در یک مکان، به صورت تجربی در چارچوب خود عمل می کند. پراگماتیسم می تواند منجر به افزایش خلاقیت در فرایند طراحی شود و با در نظرگیری یک رویکرد خاص، تفکرات خلاقانه را با در نظرگیری خواسته های مردم و شرایط حاضر در مکان وارد فرایند طراحی خود می کند. علاوه بر این، این روش همواره به تنوع و تکرر توجه داشته و به این موضوع واقف است که معنی و ارزش اعمال انجام شده به نتایج آن در طول زمان بستگی دارد و تنها با در نظرگیری آثار حاصل از آن می توان به قضاوت آن طراحی پرداخت.

به طور کلی با توجه به اینکه روش پراگماتیسم یک روش فرابندگرا است. همواره در کاربردهای خود پیامدها را در عمل ارزیابی می‌کند. نظریه و عمل را باهم ادغام کرده و نه تنها به زمان و مکان اهمیت می‌دهد، بلکه مردم را در زمان و مکان خاص خود مورد بررسی قرار می‌دهد.

بسیاری از بحث‌های امروزه در طراحی شهری از ریشه فلسفه به وجود آمده که بسیار تاثیر گذار در پیش برد اهداف بوده فلسفه پراگماتیسم در طراحی شهری به میزان قابل توجهی میتواند شکاف‌ها و روزنه‌هایی که در رشته و حرفه طراحی شهری وجود دارد را تکمیل کند، از طرفی یکی از بنیان‌های فکری این روش رد جدایی عمل و نظریه پراگماتیسم در طراحی شهری است و راه و روش رسیدن به عمل و روش را هماهنگ جلوه می‌دهد، پس میتوان همپوشانی‌هایی پیدا کرد و آن را در طراحی شهری کاربردی داد، باید توجه داشت که پراگماتیسم دستورات و اصول خاصی ندارد پس باید پله به پله آن را وارد طراحی شهری کرد. همانطور که در بند‌های بالا ذکر شد پراگماتیسم یک روش است که ناطر سعی در کشف حقایق در فضای شهری کند با مردم زندگی کند و مشکلات آن‌ها را دریابد و آن‌ها را از زبان غیر تخصصی مردم به زبان تخصصی طراحی شهری تبدیل و آن را طراحی کند زیرا پراگماتیسم به همبستگی میان افراد جامعه توجه داشته و این همبستگی را منجر به نزدیکی آن‌ها و بروز تعاملات اجتماعی میداند، که باعث امتیازاتی شده است در طراحی شهری مانند:

- لزوم شرکت همه گروه‌ها در طراحی

- لزوم همکاری میان رشته‌ای در امر طراحی

- توجه به نیازها انسان با توجه به رفتار آن‌ها در فضای شهری

در طراحی و تهیه طرح‌ها یک شناخت صورت میگیرد از رفتار انسان‌ها که این فضاها با توجه به نیازهای مردم باشد و مردم در شکل دادن تهیه طرح سهیم باشند اما به طور کلی پراگماتیسم از این راه میتواند آینده را پیشبینی کند و این امر موجب به عملیاتی شدن بهتر با سنجیدن همه جوانب میشود و موجب سعادت همگان میشود.

## منابع

۱. رهبری، مهدی. (۱۳۹۰). پراگماتیسم و سیاست، مروری بر تاثیرات رویکرد پراگماتیستی در حوزه‌ی سیاسی. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (۴۱)، ۲، ۱۲۵-۱۴۲.
۲. بحرینی، سیدحسین. (۱۳۸۹). فرایند طراحی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. رزاقی اصل، سینا؛ صمدی حسین آباد، سمیرا و حیدری، تیمور. (۱۳۹۶). امکانسنجی استفاده از تکنیک‌های متناسب طراحی شهری مشارکتی مبتنی بر بستر و ظرفیت‌های اجتماعی - مکانی (نمونه موردی بازار نوغان شهر مشهد). نشریه مدیریت شهری، (۴۷)، ۶۱-۷۴.
۴. نیکخو، روح افزا. (۱۳۹۴). کاربرد رویکرد پراگماتیستی در طراحی شهری "دانشگاه تهران، تهران.
5. Biesta, G. (2010). Pragmatism and the Philosophical Foundations of Mixed Methods Research1. In SAGE Handbook of Mixed Methods in Social & Behavioral Research (pp. 95-118). SAGE Publications, Inc. <https://doi.org/10.4135/9781506335193.n4>
6. Creswell, J. W., & Plano Clark, V. L. (2011). Designing and conducting mixed methods research / John W. Creswell, Vicki L. Plano Clark | National Library of Australia. <https://catalogue.nla.gov.au/Record/5013911>
7. Dieleman, S., Rondel, D., & Voparil, C. (2017). Pragmatism and Justice - Kindle edition by Dieleman, Susan, Rondel, David, Voparil, Christopher. Politics & Social Sciences Kindle eBooks. <https://www.amazon.com/Pragmatism-Justice-Susan-Dieleman-ebook/dp/B06XT4DZ5C>
8. Forester, J. (1984). Bounded Rationality and the Politics of Muddling Through. Public Administration Review, 44(1), 23. <https://doi.org/10.2307/975658>
9. Friedmann, J. (1973). Retracking America: a theory of transactive planning. <https://www.worldcat.org/title/retracking-america-a-theory-of-transactive-planning/oclc/617985>
10. Goldkuhl, G. (2012). Pragmatism vs interpretivism in qualitative information systems research. European Journal of Information Systems, 21(2), 135-146. <https://doi.org/10.1057/ejis.2011.54>
11. Goles, T., & Hirschheim, R. (2000). The paradigm is dead, the paradigm is dead . . . long live the paradigm: The legacy of Burrell and Morgan. Omega, 28(3), 249-268. [https://doi.org/10.1016/S0305-0483\(99\)00042-0](https://doi.org/10.1016/S0305-0483(99)00042-0)
12. Grav, Mel, Webb, S. A., & (eds.). (2013). Social Work Theories and Methods - PhilPapers. <https://philpapers.org/rec/GRASWT>
13. Haight, W., & Bidwell, L. N. (2016). Mixed Methods Research for Social Work - Paperback - Oxford University Press. <https://global.oup.com/ushe/product/mixed-methods-research-for-social-work-9780190616090?cc=us&lang=en&>
14. Heinonen, T., & Spearman, L. B. (2015). Social work practice: problem solving and beyond. <https://www.worldcat.org/title/social-work-practice-problem-solving-and-beyond/oclc/1097629498?referer=di&ht=edition>



15. Hoch, C. (1984a). Doing good and being right: The pragmatic connection in planning theory. *Journal of the American Planning Association*, 50(3), 335–345. <https://doi.org/10.1080/01944368408976600>
16. Hoch, C. (1984b). Pragmatism, Planning, and Power. *Journal of Planning Education and Research*, 4(2), 86–95. <https://doi.org/10.1177/0739456X8400400203>
17. Hoch, C. (2007). Making plans: Representation and intention. In *Planning Theory* (Vol. 6, Issue 1, pp. 16–35). <https://doi.org/10.1177/1473095207075148>
18. Hoch, C. (2009). Planning craft: How planners compose plans. *Planning Theory*, 8(3), 219–241. <https://doi.org/10.1177/1473095209105528>
19. Hothersall, S. J. (2019). Epistemology and social work: enhancing the integration of theory, practice and research through philosophical pragmatism. *European Journal of Social Work*, 22(5), 860–870. <https://doi.org/10.1080/13691457.2018.1499613>
20. Howe, K. R. (1988). Against the Quantitative-Qualitative Incompatibility Thesis or Dogmas Die Hard. *Educational Researcher*, 17(8), 10. <https://doi.org/10.2307/1175845>
21. James, W. (2000). *Pragmatism and Classical American Philosophy - John J. Stuhr* - Oxford University Press. <https://global.oup.com/ushe/product/pragmatism-and-classical-american-philosophy-9780195118292?cc=us&lang=en&>
22. Johnson, R. B., & Onwuegbuzie, A. J. (2004). Mixed Methods Research: A Research Paradigm Whose Time Has Come. *Educational Researcher*, 33(7), 14–26. <https://doi.org/10.3102/0013189X033007014>
23. Koenig, T. L., Spano, R. N., & Thompson, J. B. (2019). *Human Behavior Theory for Social Work Practice*. <https://www.ebooks.com/en-bf/209543258/human-behavior-theory-for-social-work-practice/terry-l-lea-koenig-richard-rick-n-spano-john-b-thompson/>
24. Maxcy, S. (2003). *Handbook of mixed methods in social & behavioral research*. SAGE Publications.,
25. Morgan, D. L. (2014a). Integrating Qualitative and Quantitative Methods: A Pragmatic Approach. <https://www.amazon.com/Integrating-Qualitative-Quantitative-Methods-Pragmatic/dp/0761915230>
26. Morgan, D. L. (2014b). Pragmatism as a Paradigm for Social Research. *Qualitative Inquiry*, 20(8), 1045–1053. <https://doi.org/10.1177/1077800413513733>
27. Ogien, A. (2014). Pragmatismes et sociologies. *Revue Francaise de Sociologie*, 55(3), 563–579. <https://doi.org/10.3917/rfs.553.0563>
28. Pansiri, J. (2005). Pragmatism: A methodological approach to researching strategic alliances in tourism. *Tourism and Hospitality, Planning and Development*, 2(3), 191–206. <https://doi.org/10.1080/14790530500399333>
29. Rorty, R. (1967). *The Linguistic Turn: Essays in Philosophical Method*. <https://bhilpapers.org/rec/RORTLT>
30. Schilling, R. F. (1997). Developing intervention research programs in social work. *Social Work Research*, 21(3), 80–173. <https://doi.org/10.1093/swr/21.3.173>
31. Schon, D. (1999). *the Reflective Practitioner, and the Comparative Failures of Legal Education*. *Clinical Law Review*, 6. <https://heinonline.org/HOL/Page?handle=hein.journals/clinic6&id=407&div=&collection=>
32. Shusterman, R. (2010). Pragmatism and cultural politics: From Rortian textualism to somaesthetics. In *New Literary History* (Vol. 41, Issue 1, pp. 69–94). Johns Hopkins University Press. <https://doi.org/10.1353/nlh.0.0146>
33. Susskind, L., & Ozawa, C. (1984). Mediated Negotiation in the Public Sector: The Planner as Mediator. *Journal of Planning Education and Research*, 4(1), 5–15. <https://doi.org/10.1177/0739456X8400400103>
34. Tashakkori, A., & Teddlie, C. (1998). Mixed methodology. Combining qualitative and quantitative approaches. *Applied social research method series, volume 46* | SpringerLink. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11577-000-0023-9>
35. Yefimov, & Vladimir. (2004). On pragmatist institutional economics. MPRA Paper. <https://ideas.repec.org/p/prg/mprapa/49016.html>
36. Zapf, M. K. (2010). *Social Work and the Environment: Understanding People and Place*. <https://ojs.uwindsor.ca/index.php/csw/article/download/5831/4792...?>



**مطالعات طراحی شهری  
و پژوهش‌های شهری**

فصلنامه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری

سال چهارم، شماره ۲ (پیاپی: ۱۵)، تابستان ۱۴۰۰، جلد یک